

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري

همبورگ - جرمني

تنظيم و ويرايش: پورتال

## شکستِ دل

به استقبال این بیت شیخ الشعراء محترم احمد صديق حياء :

تا توئی در بند تن از عالمِ بالا می‌رس  
ای اسیر نفس از روح فلک پیما می‌رس

|                                        |                                           |
|----------------------------------------|-------------------------------------------|
| از گذشت روزگار رفته سر تا پا می‌رس     | از فراق میهن از امروز و از فردا می‌رس     |
| گاه در شوق وصال و گاهی در هجران و غم   | از امید و ناامیدی های ما اصلا می‌رس       |
| وای بر مجنون که رنج سنگ طفلان می کشد   | حال آن بیچاره را از محفلِ لیلا می‌رس      |
| خوبرویان را دلی چون سنگ خا را بوده است | آشکارا بوده است از هیچ کس بیجا می‌رس      |
| آرزوهائی که از یاد وطن در خاک شد       | از فقیر و از وزیر، از مُفلِس و دارا می‌رس |
| در دیار غُربت و اندر سرای دیگران       | از شکست دل صدائی بشنو و از ما می‌رس       |
| مُردن آوارگان هر جا که باشد ماتم است   | از سپید و از سیاه از پیر و از بُرنا می‌رس |
| ملت افغان ستان چون دُر و گوهر بوده اند | یک برابر بوده اند از عالی و آدنا می‌رس    |
| آنکه در راه خدا سر میدهد جان می دهد    | جان به جانان می دهد از عاشقِ شیدا می‌رس   |
| مقصد من از جهاد فی سبیل الله بُود      | از قوماندانانِ قاتل از تُفنگ والا می‌رس   |
| رهروی دیدم که دل با یک تماشا می برد    | از مسلمان و یهود و گبر و از ترسا می‌رس    |

آن یکی در مسجد و آن دیگری در صومعه      هرچه می خواهد بخواند بنده دانا می پرس

صنعت و تعبیر و تفسیرش نمی دانم که چیست

جان من از «ناظم» حل این معما را می پرس